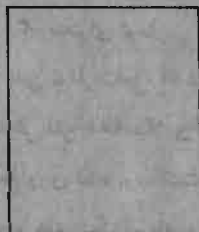




## تومار کینکافو

«ارمغان زلزله بزرگ»

عباس صفاری



زاپنی‌ها بر این باورند که شعر پیش از خلقت انسان وجود داشته است. ایزد و ایزد بانویی که اقوام زاپنی را آفریده‌اند (ایزاناگی و ایزانامی) به زبان شعر با هم سخن می‌گفته‌اند. قالب سی‌ویک سیلابی ننکا را نیز که هنوز در شعر زاپن به کار گرفته می‌شود ایزد بانوی تُندر خلق کرده است. متأسفانه از ایزدان و الهگان که سرایندگان نخستین اشعار بوده‌اند هیچ مکتوبی به جای نمانده است! جنگ ده هزار برگی (Man' yoshu) را که در نیمه‌ی دوم قرن هشتم میلادی تدوین شده و تعدادی از اشعار اولیه‌ی زاپن در آن ثبت شده است سرآغاز شعر کلاسیک زاپن محسوب می‌کنند. نسخه‌های متعدد این گلچین قرن‌ها مورد استفاده‌ی شاعران و مفسران بوده است. در سال ۱۹۲۴ اما متن دیگری به نام کینکافو که تاریخ تعدادی از اشعار آن به قبل از مجموعه نامبرده باز می‌گردد بنابر تصادف کشف شد. در حال حاضر این کهن‌ترین متن موجود از فرهنگ این سرزمین است.

### ۱- کشف تومار

در سال ۱۹۲۳ زلزله بزرگی شهرهای توکیو و یوکوهاما را می‌لرزاند و بسیاری از مناطق این دو شهر را با خاک یکسان کرده و هزاران کشته از خود به جای می‌گذارد. شاهزاده کونو که ساکن توکیوست از بیم حریق ناشی از زلزله تصمیم می‌گیرد کتابخانه شخصی‌اش را از توکیو به کتابخانه

دانشگاه کیوتو انتقال دهد. یک سال پس از آتش‌سوزی یکی از استادان دانشگاه به نام (نویوتسونو سااساکی) به این متن برمی‌خورد و آن را «ارمغان زلزله بزرگ» نام می‌نهد. خبر کشف آن را نیز در سال ۱۹۲۵ مجله ادبی گیبون Geibon انتشار می‌دهد.

#### ۲- مشخصات فیزیکی تومار

جنس کاغذ تومار از چوب توت است و متشکل از ۹ ورق به هم چسبیده به طول جمعاً ۴۲۵ سانتیمتر و عرض ۲۴ سانتیمتر. طول هر ورق آن ۵۰ سانتیمتر است به استثنای ورق اول که کوچکتر است و چیزی بر آن نوشته نشده است. در تحریر تومار از مرکب‌های سیاه و قرمز استفاده شده است.

#### ۳- محتوای تومار

این تومار شامل ۲۱ شعر است که در فرم ابتدایی کایو Kayo به معنی (شعر ترانه) سروده شده‌اند. تاریخ نگارش متن ۹۸۱ میلادی است، اما تاریخ اشعار آن که برای استفاده نوازندگان درباری از مناطق مختلف جمع‌آوری شده بوده است به قرن‌های پنچ و شش میلادی باز می‌گردد. تعداد هشت شعر از این مجموعه در کلچین‌های دیگر نیز آمده است، مابقی آن‌ها اما فقط در این متن ثبت شده‌اند. آنچه به ارزش و جذابیت تومار می‌افزاید این که کلیه اشعار آن دوبار تحریر شده‌اند. یک بار با مرکب سیاه و واژه نگارهای درشت که متن اصلی محسوب می‌شود بار دیگر با مرکب قرمز در حاشیه که مطربندی متفاوتی دارد همراه با علایم و نکاتی که حکم دستورالعمل دارند برای نحوه اجرای آن‌ها با موسیقی چنگ.

در ادبیات چین و ژاپن مرسوم بوده است که انگیزه یا حادثه‌ای را که منجر به خلق هر شعر شده است در حاشیه آن می‌نوشته‌اند. حاشیه نویسی اشعار کینکافو اما قرن‌ها پس از خلق اشعار آن و به وسیله کاتبان درباری انجام شده است. در نتیجه، توضیحات آن‌ها بیشتر بر مبنای حدس و گمان بوده است و در مواردی ناشی از وابستگی‌شان به دربار و خوش خدمتی برای شاهان. به عنوان مثال آخرین شعر این مجموعه دای خواهد گریست، مضمونی فولکلوریک دارد. دهقان ساده‌ای در حال کشت پرمشقت برنج به پایان روز می‌اندیشد و پاداش زحمت روزانه‌اش که قرار است دیدار همسر باشد و عشق‌ورزی شبانه. اما کاتب تومار کینکافو خلق این شعر را به امپراتور اینگویو نسبت می‌دهد که پس از همبستر شدن با زن زیبارویی سروده است. تعدادی از حواشی نیز برآمده از حکایاتی است که ذهن خیال‌پرور مردم در طول قرن‌ها بر پیرامون هر شعر خلق کرده و به زمان نگارش متن رسیده است.

#### ۴- ویژگی تومار

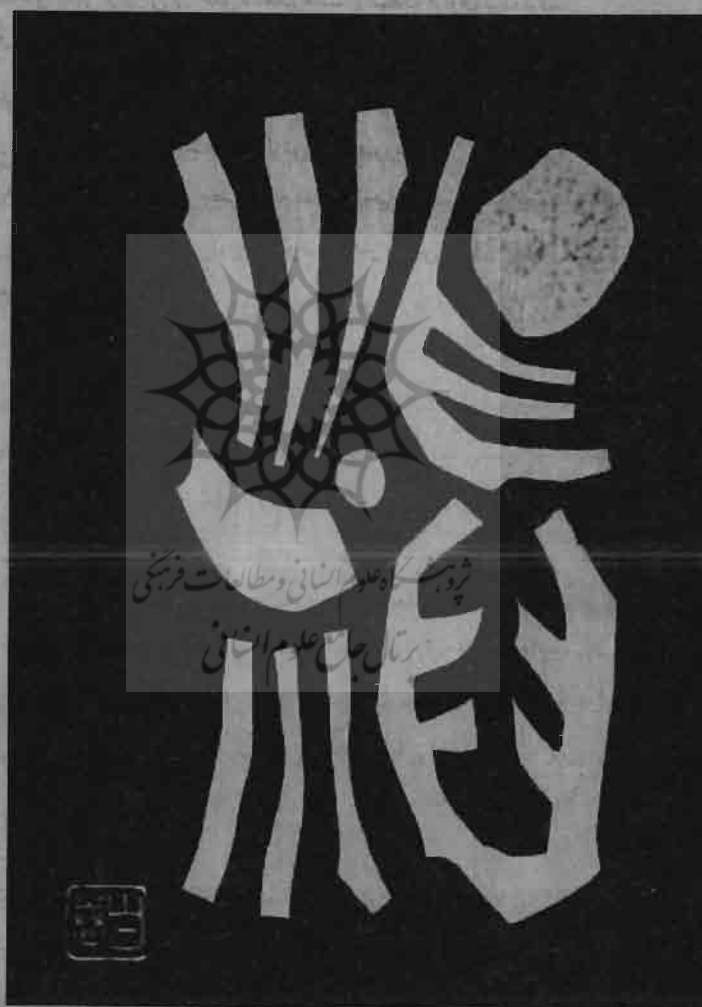
شعر ژاپن در توالی تاریخی‌اش از زبان ساده و بی‌تکلف اشعار کینکافو تا زبان صیقل خورده و فخم شاعران دربار هیان و شعر آیینی شاعران کاهن و معبد نشین راه درازی را پیموده است. گذشته از زبان ساده و بدوی این اشعار که در مقایسه با هایکوهای درخشان شاعران بزرگ ژاپن شاید زمخت جلوه کند، آنچه

اشعار این تومار را به سنت شعر ژاپنی پیوند می‌زند نگاه مشترکی است که این شاعران به طبیعت و هستی دارند. نگاهی سراسر متفاوت با هستی‌شناسی ارسطویی که قرن‌ها بر شعر مغرب زمین حاکم بوده است و شاعر را آگاهانه در جبهه نضاد با طبیعت قرار می‌داده است. اشعار کینکافو گذشته از ارزش‌های تحقیقی و آکادمیک آن سرآغاز سستی است که قرن‌ها بعد هر شعر را با اتکا بر عدم قطعیت به صورت یک «پیشنهاد» مطرح می‌کند و به خواننده نیز امکان مداخله و بازآفرینی می‌دهد. جاذبه‌هایی که در سرآغاز جنبش مدرن در شعر آمریکا بر ازاهاوند آنچنان تأثیری نهاده بود که آموختن زبان‌های خاور زمین و ترجمه و مطالعه جدی ادبیات چین و ژاپن را در دستور کار یاران و پیروانش قرار می‌دهد. سال‌ها پیش از ازاهاوند گوگن و مودیلیانی نیز از دیدگاه و تکنیک‌های چینی و ژاپنی در خلق شاهکارهایشان استفاده فراوان برده بودند.

زیبایی‌شناسی و ایجاز برآمده از جان‌گرایی (Animism) نه فقط منحصر به شعر، بلکه ژاپنی‌ها در نقاشی، معماری و تزئین منزل از آن بهره فراوان برده‌اند. بسیاری از نقش‌ها نه یک منظره یا چشم‌انداز کامل آن گونه که در غرب مرسوم بوده است، بلکه بُرش و مسطوره‌ایست از یک منظره که بخش عمده آن از نظر پنهان مانده و بدین وسیله کیفیت کُل منظره را به قدرت تخیل بیننده واگذار می‌کند. نگاهی که ما امروز آن را مدرن می‌نامیم و نمونه‌های بسیاری از آن را می‌توان در هنر رسمی و فولکلوریک ژاپن و چین و از جمله این بیست‌ویک شعر کهن مشاهده کرد.

ژویش کاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بی کس و کار  
تو را ای راهبه با کره  
گذر زمان و کار فراوان سرانجام  
به این گذرگاه سهمناک رسانده است  
نه کسی که تکیه گاهت باشد  
و سرانجام، نه جایی برای رفتن؟





افسردگی

بر کوهپایای  
که می گستراند سایه اش را  
بر بهار این کوهستان دور دست  
بمبوی آورده از آواجی  
ست می نماید و افسرده  
باریک بمانند تیر،  
شککنده و غریب.

در برابر معبد

در برابر معبد

برنج می روید

ساده و فراوان



زن هر جایی کاهل

می بینی چه رام

بلوطها و فندق بنان

کناره گذرگاه

تاب می خورند در باد

بشتاب هر جایی تنبل  
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آه، آن‌ها فقط زیان درازشان را

پرنال جامع علوم انسانی

تکان می دهند.

حال دوشیزگان

با شرمی

برازنده حال دوشیزگان

بازوبندهای یشمی

بر بازوی پنج دوشیزه،  
برازنده دوشیزگان.

### حدیث بهار

به بهار این بیدبُن مجال بده  
از بهار بگوید،  
و از پوکی خاک  
به اراده ایزد بانوی خورشید  
که سرچشمه حیات و روشنایی است.

امشب...

بیچاره سنجاقک

بر می‌پرد از رودخانه  
که عریض است و متورم،  
مرا اما

دست کم نمی‌توان گرفت  
امشب هیچ حادثه‌ای

مرا از آغوش محبوبم دور نخواهد کرد لکن علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



نفرین مضاعف

چه ارباب اجاره داده باشد، چه دیگری

این زمین سخت است بماند سنگ

«دنگ، دنگ، دنگ»

بیشتر سنگپاره است تا خاک

و بیل من که فرو می‌رود

خود حکایت می‌کند

«دنگ، دنگ، دنگ»

صد نفرین بر این سنگ‌ها.

دعاگوی تو خواهم بود، خروس

دعاگوی تو خراهم بود، خروس

اگر در سپیده دم

مرا در آغوش محبوبم باز یابی

آنسوی بیداری انوار

ایستاده سربلند در باغ

بشت به جانب‌ما - خروس

و بیدارمان کند سرزنده و شادا!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از خود پذیرایی کن **رتال جامع علوم انسانی**

حال که گسترده است سفرهٔ جشن

آنرا دریاب

از هر طعامی تا می‌توانی بخور

خود را بینبار، عزیز من

خود را بینبار.

پرهیز از سر مهر  
اگرچه گاو و گراز  
بی محابا می چرند  
کرتهای مرزنگوش را بر کوهپایه‌ها  
عوام اما از سر مهر خودداری می کنند  
از تجاوز به حریم دیگران

### جزیره سنجاک

زیر آسمان شفاف

و بی نظیر

یاماتو در انتظار من است

یاماتو که صخره‌ها و درختانش

جویبارها و کوهسارهایش

اطراق گاه خدایان است

آه، جزیره سنجاک

شکوه تو در بیان نمی گنجد

و اشتیاق من.



### شراب جشن

مراقب باش دوشیزه جوان

در تقدیم شراب جشن

جام را با احتیاط و ملاحظت بگردان

دلبر باش، دوشیزه

در گرداندن آن

و با وقار



پرهیز از سر مهر  
اگرچه گاو و گراز  
بی محابا می چرند  
کرتهای مرزنگوش را بر کوهپایه‌ها  
عوام اما از سر مهر خودداری می‌کنند  
از تجاوز به حریم دیگران

### جزیره سنجاک

زیر آسمان شفاف

و بی نظیر

یاماتو در انتظار من است

یاماتو که صخره‌ها و درختانش

جویبارها و کوهسارهایش

اطراق گاه خدایان است

آه، جزیره سنجاک

شکوه تو در بیان نمی‌گنجد

و اشتیاق من.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### شراب جشن

مراقب باش دوشیزه جوان

در تقدیم شراب جشن

جام را با احتیاط و ملایمت بگردان

دلیر باش، دوشیزه

در گرداندن آن

و با وقار

سال نو

در این زمان که ما

جشن گرفته‌ایم حلول سال جدید را

با قلب‌های شادمان

بباید دلشاد بمانیم

برای هزاران سال.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



## درخت غان

غان روئیده

بر کرانه رودخانه علیا

به نظر آشنا نمی آید، اما

ریشه‌هایش شباهتی

به ریشه‌های خاندان ما دارد.

## آب زلال

از چشمه‌ای با شکوه

آبی زلال روان می‌شود.

با آبراه همیشگی‌اش در می‌افتد

و پس ترک می‌کند آن مسیر را.

آب زلال

از چه رو راه گردانده‌ای؟

## لذات شکارچی

بر این تپه‌ها به شکارچی

بسیار خوش می‌گذرد و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و می‌نوشد از این آب بخنک و گوارا

من به زودی آیا در خواهم یافت

که به راستی پای خرس شش پنجه دارد

و گوزن هشت سُم.

## هنگام شکار

آب شفاف است

ماهی کپور در آب‌های آنسوی پل

و لک‌لک تاجدار در آب‌کند

هنگام شکار است اکنون  
بامداد اینجا را خدا  
برای صید آفریده است.  
ای رهگذر، من به همین خاطر آمده‌ام!

### سیراب بنوش

بر این جشن و سرور نه من  
که خدای شراب خود نظارت دارد  
او که از سنگ تراشیده شده  
اما در ژرفای ابدیت ماوا دارد  
شرابی که تو می‌نوشی، او آورده است  
ارمغان اوست

تبرک یافته در شوریدگی ناب

بنوش آنرا

بنوش تا آخرین قطره!



از طبل به هاون

سازندگان این فُقع

برنجشان را آیا

در طبل‌های به هاون تبدیل یافته

بلغور کرده‌اند،

برهنگام کار آیا

رقصید ~~تفخو~~ خوانده‌اند؟

چه فقع بی‌نظیری

چه فقع فوق‌العاده‌ای است

این فقع نوبرانه

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژمان جامع علوم انسانی

او خواهد گریست  
شلتوک‌ها را خواهم کاشت  
و کار خواهم کرد  
یک نفس بر شیب شالیزار  
تا بگذرم از آبراه  
به آنسوی آبراه امشب  
آه امشب!  
در خلوت‌مان  
همسرم و من...  
او خواهد گریست  
اما آه  
تن عریان او!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی